

پیش بینی پایداری زناشویی براساس سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و صمیمیت جنسی زنان متاهل

آناهیتا گودرزی^۱

^۱ کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی پایداری زناشویی براساس سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و صمیمیت جنسی زنان متاهل بود. پژوهش حاضر باتوجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متاهل (دانشگاه آزاد واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی و رشته روان شناسی بالینی و عمومی و مشاوره بودند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۲۰۰ نفر از زنان متاهل (دانشگاه آزاد واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی و رشته روان شناسی بالینی و عمومی و مشاوره ورودی های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کارشناسی و کارشناسی ارشد) انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، الگوهای ارتباطی کریستنسن و سولاوی (۱۹۸۴)، صمیمیت جنسی روزن (۱۹۹۵) پایداری زناشویی (DAS) بود. نتایج پژوهش نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن با پایداری زناشویی زوجین رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با پایداری زناشویی زنان متاهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با پایداری زناشویی زنان متاهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. بین الگوی ارتباطی (سازنده متقابل) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه و مثبت معنی داری وجود دارد. بین الگوی ارتباطی (توقع/کناره گیری) با پایداری زناشویی در دانشجویان زن متاهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. بین الگوی ارتباطی (اجتنابی) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه ای وجود ندارد. بین صمیمیت جنسی با پایداری زناشویی در زنان متاهل مثبت و معنی داری مشاهده می شود متغیر سبک دلبستگی ایمن با ضریب بتای ۰/۳۴، متغیر الگو ارتباطی (سازنده متقابل) با ضریب بتای ۰/۳۲ و متغیر صمیمیت جنسی با ضریب بتای ۰/۲۹ می توانند به طور مثبت و معنی داری پایداری زناشویی در زنان متاهل را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار ۲۸٪ از واریانس پایداری زناشویی در زنان متاهل توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود.

واژه های کلیدی: سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی، صمیمیت جنسی، پایداری زناشویی

مقدمه

امروزه پایداری زناشویی یکی از اصطلاحاتی است که وسیعاً در مطالعات خانواده و زناشویی مورد استفاده قرار می گیرد. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون «رضایت زناشویی»، «شادکامی زناشویی»، «موفقیت زناشویی» و «ثبات زناشویی» مرتبط است. در حالیکه اصطلاحات قبلی هر کدام تنها یک بعد از ازدواج را نشان می دهند، پایداری زناشویی یک اصطلاح چند بعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می کند و فرایندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می آید، زیرا که لازمه آن انطباق سلیقه ها، شناخت صفات شخص، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوهای مراوده ای است، بنابراین پایداری زناشویی یک فرایند تکاملی در بین زن و شوهر است. در طول سالها از این مفهوم بدون یک تعریف مشترک و روشن بین محققان استفاده شده است (ابوالقاسمی، ۱۴۰۰). پایداری زناشویی شیوه ای است که افراد متأهل، به طور فردی یا با یکدیگر، جهت متأهل ماندن سازگار می شدند، به طوری که پایداری زناشویی یکی از مهمترین فاکتورها در تعیین ثبات و تداوم زندگی زناشویی است (گلدنبرگ، ۲۰۰۳ به نقل از حسین شاهی براوتی، ۱۴۰۰). کاتریل^۲ (۱۹۳۳) اولین کسی بود که پایداری زناشویی را به صورت «فرایندی که شریک های متأهل تلاش می کنند تا سیستم های ارتباطی خاص یا موقعیتی که در خانواده قبلی خودشان کسب کرده اند، مجدداً ایفا کنند» تعریف کرد. پایداری زناشویی به صورت یک فرایند تعریف می شود که به وسیله موارد زیر تعیین می شود: (۱) تفاوت های پردرد سر دو تایی، (۲) تنش های بین فردی و اضطراب شخصی، (۳) رضایت دوتایی، (۴) همبستگی دوتایی، و (۵) توافق کلی دوتایی روی شیوه های مهم عملکرد (اسپینر^۳، ۱۹۹۶). اسپینر و کل یک مقیاس برای اندازه گیری پایداری دوتایی پیشنهاد کردند که می تواند برای زوج های متأهل و زوج هایی که بدون ازدواج با یکدیگر با هم زندگی می کنند، مورد استفاده قرار گیرد. این مقیاس شامل زیرمقیاس هایی است که چهار مؤلفه تأیید شده اصلی را اندازه می گیرد: (۱) رضایت دوتایی، (۲) توافق دوتایی، (۳) همبستگی دوتایی، و (۴) بیان محبت آمیز. پایداری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تأثیر می گذارد که در واقع سنگ زیربنای عملکرد خوب خانواده است و نقش والدینی را تسهیل می کند و سبب توسعه اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می شود (محمدی، ۱۴۰۰).

رویدادهای زندگی یعنی راه حل انتقال و رشد و شرایط حاد و مزمن می تواند با تعارضات زناشویی رابطه داشته باشد گفته می شود مشکلات رابطه ای به احتمال بیشتری در طی دوره هایی بوجود می آیند که میزان تغییرات و رویدادهای تنش زا، زیاد باشد. البته متغیرهای دیگری چون حمایت و تعهد می تواند تأثیر این رویدادها را در رابطه زناشویی تعدیل نماید. تاریخچه زندگی هر کدام از زوجین نیز عامل موثری در تعارضات زناشویی هستند. طلاق والدین، مشکلات زناشویی رابطه ای ثابت شده دارد. این امر تأثیر شدیدی بر زنان دارد به گونه ای که ازدواج زمانی که سابقه طلاق والدینی دارند به میزان ۶۰٪ بیشتر از زنان دیگر به طلاق منجر می شود. تعارضات در خانواده اصلی نیز عامل خطر در روابط زوجین محسوب می شود. میزان و کیفیت شناخت زوجین از همدیگر در قبل از ازدواج با تعارضات مربوط است، هر چه این شناخت بهتر و بیشتر باشد، رضایت زناشویی بیشتر شده و در غیر این صورت افراد فرصت پیدا می کنند همسر مناسب را از همسر نامناسب تشخیص دهند. ویکتور فرانکل یکی از روانشناسان برجسته اروپایی، در راستای یافتن پاسخ به این سؤال نتیجه گرفت که اگر زندگی برای افراد معنا و مفهوم داشته باشد فشار ناشی از آن نیز قابل تحمل است. موقعیتهای فشار زای زندگی همواره می تواند بر جریان توانایی افراد در کنار آمدن با شرایط گوناگون مؤثر باشد و تداوم شرایط دشوار به نوبه خود موجب بروز یا تشدید نابسامانی جسمی و روانی می شود (ابریشم کار، ۱۳۹۷).

^۱Goldenberg^۲ Katryl^۳Spinner

گاهی همسران در ارتباط ناکارآمد هستند و احتیاج به یادگیری مهارتهایی در جهت ابراز عواطف با حل موثر مشکلات دارند. اگر چه تعاملات ناسازگارانه ممکن است ناشی از کمبود مهارت باشد، اما در بسیاری موارد اتفاق میافتد که همسران از عدم رضای نیازهای خود ناامید شده اند. مثلاً زن و شوهری که میل به پایداری دارد و این میل او ارضا نمی گردد، در طول زمان ممکن است به گونه ای ضعیف رفتار کند. این رفتار مشکل ساز ارتباط، کمبود مهارت نیست، بلکه پاسخ ناسازگارانه ای به نیازهای شخصیتی برآورده نشده می باشد. همسرانی که تمایل دارند به یک رفتار منفی از طریق رفتار منفی و به همین شکل به رفتار مثبت پاسخ دهند در این نتیجه قرار می گیرند، بدون توجه به عواملی که در شکل یا تعارضات اولیه سهیم اند، وقتی یک یا دو همسر از رابطه ناخرسند می شوند یک فرایند خود تداومی ایجاد می شود، که تمایل به ادامه مشکل دارد. این مسئله در جنبه های رفتاری شناختی احساس رخ می دهد. از لحاظ رفتاری این موضوع را می توان در مکالماتی مشاهده کرد که شوهر یک حرف منفی به همسرش می زند و همسرش نیز به گونه ای منفی پاسخ می دهد، از نظر شناختی هنگامی که زن احساس می کند شوهرش سرحال نیست، تلاش بیشتری به رفتار منفی، اسنادهای منفی در مورد رفتار شوهرش می کند. از لحاظ احساس وقتی همسران با همدیگر به صورت منفی رفتار می کنند، به تفکر منفی در مورد هم می رسند هر کدام ممکن است یک برجستگی احساسی با عواطف و احساسات منفی کمی نسبت به همسرش بوجود آورد. آنگاه این احساسات منفی احتمال رفتار و شناخت منفی بعدی را زیاد می کند. علاوه بر موارد بالا به عوامل دیگری هم می توان اشاره کرده، از جمله باورها و احساسات غیر منطقی در زمینه هایی چون اهمیت ارتباط، اهمیت خانواده، دوستان و نقش های جنسیتی، رضایت را کاهش داد و تعارضات را افزایش می دهد (دیناری، ۱۳۹۶).

بحرانها و مشکلات تجاری هستند که همواره زوجین را برای بررسی کردن زندگی و ارزش هایشان بر می انگیزد. بحران چه شدید باشد، چه خفیف، برای زوجینی که درگیر آن می شوند، تکان دهنده است، آنها ممکن است توانمند و با شهامت به آن پاسخ گویند و یا با ناتوانی و ضعف. مشکلات زناشویی به قدمت ازدواج و آن نیز به قدمت تاریخ است. سلامت یا نارساکنش وری خانواده به عنوان یک کلیت یا سیستم بر اعضای آن تاثیر دارد. آمارهای منتشر شده در کشور، در چند دهه ی گذشته، حکایت از افزایش روزافزون نارضایتی زناشویی در بین زوج ها دارد که در پی آن در بسیاری از موارد، اقدام به متارکه و طلاق صورت می پذیرد (احمدی، ۱۳۹۷). شناخت و مطالعه تمایلات و رفتارهای جنسی انسان یکی از مهمترین مسائل بهداشت عمومی به ویژه بهداشت روان است. تمایلات جنسی، درونی ترین احساسات و عمیق ترین آرزوهای قلبی انسانها در معنا بخشیدن به یک ارتباط است. نیاز جنسی نه تنها در رده نیازهای فیزیولوژیک انسان مانند، تشنگی، گرسنگی و نیاز به هوا و خواب، بلکه در حیطه نیازهای معنوی و عرفانی چون نیاز به زیبایی و کمال در نظر گرفته می شود. گرچه سکس مفهومی بین المللی و جهانی است، اما به هیچ وجه تفسیری واحد و تعبیری مطلق ندارد (عادل، ۱۳۹۸). تحقیقات نشان داده است که زنان در میانسال، الگوی بهبود مسائل جنسی را وجهه همت خود قرار داده و در این سن بیشتر و بهتر قادر بوده اند مسائل جنسی را جزئی از خواسته ها و نیازهای خود قرار داده، و در این سن بیشتر و بهتر قادر بوده اند مسائل جنسی را جزئی از خواسته ها و نیازهای خود بدانند و به لحاظ جنسی فشار می آروند. البته دلایل دیگری نیز وجود دارد که باعث می شود مسائل جنسی در بزرگسالی میانی بهبود یابد. یکی از دلایل شاید این باشد که روابط طولانی گذشته جای خود را به صمیمیت بیش تر می دهد که خود به خود بر روابط جنسی موثر می افتد (سلامی، ۱۳۹۷).

رضایت جنسی یک پدیده چند بعدی است که تحت تأثیر بسیاری عوامل زیستی، روانی و اجتماعی قرار می گیرد. اهمیت به تمایلات جنسی امری واقع بینانه است زیرا مشکلات جنسی می تواند آثار متعددی بر سایر جنبه های زندگی فردی و اجتماعی بگذارد، بطوری که عامل برخی از آشفتگی های روانی، ناپایداری ها و شکستهای زندگی زناشویی هست. رضایت جنسی انسان روندی است که ترکیبی از ارگانهای مختلف را درگیر می کند و مستلزم هماهنگی بین سیستم های نورولوژیک، عروقی و اندوکراین هست. رضایت جنسی زنان حالتی از توانایی برای رسیدن به تهییج جنسی، لوبریکاسیون، ارگاسم و رضایت هست که منجر به تندرستی و رسیدن به سطحی از سلامتی همراه با کیفیت زندگی خوب می شود. امروزه شواهد زیادی در حمایت از

اهمیت سلامت جنسی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی وجود دارد. اختلال رضایت جنسی یک مشکل مهم بهداشت عمومی هست که در زنان بیش از مردان شیوع دارد (دیناری، ۱۳۹۷).

ارتباط زناشویی به عنوان طولانی ترین و عمیق ترین نوع ارتباط همواره مورد توجه بوده است زیرا ازدواج رضایت بخش، برای سلامت جسمی و روانی همسران بسیار مفید است. ازدواج یکی از مهم ترین حوادثی است که در زندگی رخ می دهد در حالی که بعضی ازدواج ها موجب رشد و شکوفایی زوجین است، بسیاری از زن و شوهر ها نیز می توانند به مصیبت هایی در مقابل یکدیگر بدل شوند، ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، هنر و مهارتی است که علاوه بر سلامت روان و تجارب سالم اولیه، نیازمند داشتن و کسب نگرشهای منطقی، مهارت های ارتباطی، مهارت های زندگی و انجام وظایف خاص خویش است (قاسم زاده، ۱۳۹۸).

یکی از علل مشکلات زناشویی، عدم مهارت های ارتباطی زوجین با یکدیگر می باشد؛ ارتباط سراسر زندگی انسان را در بر گرفته است. زندگی با شروع ارتباط آغاز می شود و با قطع آن پایان می یابد. انسان در دامن ارتباط متولد می شود و نیازهایش را از هر نوعی که باشد برطرف می کند. به کمک ارتباط زنده می ماند، رشد می کند و تکامل می یابد، سعادت و خوشبختی انسان تا حد زیادی به چگونگی ارتباط او با دیگران بستگی دارد. ارتباط انتخاب خوب پیام و بیان خردمندانه خویش است. ارتباط دارای ابعاد و ویژگی های است. اولین ویژگی ارتباط، فراهم آوردن اطلاعات برای دیگران درباره ی قصد شخص است. این ویژگی را بعضی مؤلفان هدفمندی نامیده اند (کلی و کانلی، ۲۰۲۰). دومین ویژگی مهم ارتباط تعریف نوع رابطه است چنانکه روابط میان همسران به وسیله ی پیام های دستوری تعریف می شوند. این پیام ها سیستمی از قوانین آشکار و ناآشکار را در طول زمان تشکیل می دهند که چگونگی ارتباط میان زن و شوهر را مشخص می کند. ویژگی سوم ارتباط، چند بعدی بودن آن است، به این معنا که ارتباط در دو سطح مجزا اما مرتبط به هم کلامی و غیر کلامی روی می دهد. سطح کلامی مربوط به محتوای ارتباط است، در حالی که سطح غیر کلامی وظیفه ی کیفیت بخشی به سطح کلامی را بر عهده دارد. طبق نظر کرو و رایدلی^۵ (۲۰۱۱) در یک ارتباط رویارویی دو نفره هفت درصد مفاهیم احساسات توسط پیام های گفتاری، سی و هشت درصد در قالب حالت های آوایی و پنجاه و پنج درصد توسط نگاه، حالت های صورت و ژست های بدنی منتقل می شود. زمانی که محتوا و جنبه ی کیفیت ارتباط نا هماهنگ باشند، همیشه لایه ی غیر کلامی مؤثرتر است. هدف اصلی ازدواج ارتباط است، ارتباط به زن و شوهر این امکان را می دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند و از نیازهای هم آگاهی یابند، روابط زوجین در واقع با هدف ارضای تمام سطوح نیازها صورت می گیرد. به همین دلیل است که شایع ترین مشکلی که توسط زوجین ناراضی مطرح می شود، عدم موفقیت در برقراری رابطه است. اگر چه دشواری های ارتباطی تنها علت اختلافات زناشویی نیست با این حال مشخص کننده ی روابط آشفته است و به نظر می رسد مشکلات موجود را تشدید می کند، آشفتگی مداوم در روابط غالباً به گام هایی برای طلاق و جدایی می انجامد (کوردک، ۲۰۲۰). لذا با توجه به رواج تعارضات زناشویی، بی میلی زناشویی و تاب آوری زوجین، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که، آیا بین پایداری زناشویی براساس سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و صمیمیت جنسی زنان متاهل رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر باتوجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متاهل (دانشگاه آزاد واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی و رشته روان شناسی بالینی و عمومی و مشاوره ورودی های

Kelly & Conley

^۵Crowe & Riedley

Kurdek

۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کارشناسی و کارشناسی ارشد) بودند که تعداد آنها طبق گفته آموزش دانشگاه حدود ۴۲۰ نفر هستند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۲۰۰ نفر از زنان متاهل (دانشگاه آزاد واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی و رشته روان شناسی بالینی و عمومی و مشاوره ورودی های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کارشناسی و کارشناسی ارشد) انتخاب شدند. معیار ورود و خروج آزمودنی ها کسانی بودند که متاهل بود و در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال بصورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و همچنین بصورت کاملاً داوطلبانه و اختیاری تمایل به پاسخ دادن به پرسشنامه های پژوهش را داشتند.

ابزارهای پژوهش

۱) پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)^۶: این پرسشنامه توسط کریستنسن و سولاوی (۱۹۸۴) تهیه شده. این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی است که به منظور برآورد ارتباط زناشویی زوجها طراحی شده است. این پرسشنامه از ۳۵ سؤال تشکیل شده است و رفتار زوجها را در ۳ مرحله (تعارض زناشویی) برآورد میکند. این مراحل عبارتند از: الف) هنگامی که مشکلی در روابط زوجها به وجود می آید. ب) در طول بحث راجع به مشکلات ارتباطی ج) بعد از بحث در مورد مشکل ارتباطی زوجها. هر رفتار روی یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (اصلاً ۱، بندرت ۲، تاحدی ۳، اغلب اوقات ۴ و همیشه ۵) تنظیم شده است. درجه بندی میکنند. بعضی از این رفتارها عبارتند است: اجتناب متقابل، بحث متقابل، بحث و اجتناب، مذاکره متقابل، خشونت کلامی، خشونت جسمانی و کناره گیری متقابل. CPQ از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: ارتباط توقع /کناره گیری، ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل. این سه خرده مقیاس توسط کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) تهیه شده است. ارتباط توقع / کناره گیری از دو بخش تشکیل شده: مرد متوقع/زن کناره گیر و زن متوقع/مرد کناره گیر. کریستنسن و هیوی (۱۹۹۰) پایایی این پرسشنامه را برآورد کردند، آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس های CPQ از ۰/۵۰ تا ۰/۷۸ گزارش شده بود. بودنمن و همکاران^۸ (۱۹۹۶) نیز در پژوهشی که روی آزمودنیهای آلمانی و سوئیسی انجام دادند، پایایی مقیاس ارتباط سازنده متقابل این پرسشنامه را بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۸ گزارش نمودند.

۲) مقیاس دلبستگی: این مقیاس توسط هازن و شیور^۹ در سال ۱۹۸۷ ساخته شده و در ایران توسط رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۳) ترجمه گردید. در قسمت اول سه الگوی دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برحسب ۴۰ سؤال در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می شوند. پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان میتواند بصورت فردی یا گروهی اجرا شود. آزمون هابایستی در یک محیط آرام و با ارائه پرسشنامه به هر کدام از آنها مورد آزمون قرار گیرند. دستورالعمل اجرای هر بخش از پرسشنامه به این صورت است که هر آزمودنی باید از توصیفات راکه با ویژگی های خودش مطابق دارد اعلامت بزند. مدت اجرای براساس زمینه یابی انجام شده ده دقیقه می باشد. نمره گذاری قسمت اول پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان براساس درجه بندی آزمودنی برای هر جمله توصیفی روی مقیاس هفت درجه ای از نوع لیکرت صورت میگیرد به اینطریق که به دایره شمهره یک کاملاً مخالفم نمره یک، دایره شماره دو تاحدی مخالفم نمره دو و ۰۰۰ وبه همین طریق به دایره شماره هفت یعنی کاملاً موافقم نمره هفت تعلق می گیرد به این صورت مقیاس رتبه ای سیکرت باتبدیل نمرات استفاده از مقیاس فاصله ای در تحلیل بکاربرده می شود باتوجه به سه توصیفی که بایستی در این بخش مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرد سه نمره بدست می آید که اولین نمره توصیف میزان دلبستگی ایمن دومین توصیف میزان دلبستگی اجتنابی سومین

^۶communication patterns questionnaire

^۸Bodenman & et all

^۹Hazen & Shaver

آنها میزبان دل بستگی اضطرابی - دوسوگرا نشان می دهد. بخش دوم این پرسشنامه بصورت انتخابی اجباری سه جمله توصیفی است آزمودنی بایستی بر حسب اینکه کدامیک از سه توصیف بالون هماهنگ تر است آن را علامت می زند بنابراین شماره های ۱، ۲، ۳، عنوان مقباس های اسمی نمایان گر دل بستگی ایمن اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا می باشد که بطور مجزا در تحلیل ها بکار گرفته می شود. ضریب آلفای کرنباخ هر یک از زیر مقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای یک نمونه ۲۴۰ نفری دانشجویان به ترتیب برابر با (۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۲؛ در پسران (۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۲) و در دختران (۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۶۹) گزارش شده است که نشانگر همسانی درونی بالای مقیاس دل بستگی است. همچنین ضریب هم بستگی بین نمره های آزمودنی ها در نوبت با فاصله زمانی دوهفته برای کل آزمودنی ها ($r=0.92$)، برای آزمودنی های دختر ($r=0.90$) و برای آزمودنی های پسر ($r=0.93$)، بوده که نشانگر پایایی باز آزمایی بالای این مقیاس است.

۳) مقیاس صمیمیت جنسی زنان این پرسشنامه توسط روزن و همکاران در سال ۱۹۹۵ ابداع شده است و یک پرسشنامه شش بعدی است که صمیمیت جنسی زنان را توسط ۱۹ سؤال در ابعاد تمایلات جنسی، تحریک یا برانگیختگی جنسی، رطوبت مهبل، ارگاسم، صمیمیت جنسی و درد مورد بررسی قرار می دهد. نمرات در نظر گرفته شده برای هر سؤال بعد میل جنسی، ۱ تا ۵ امتیاز و برای ابعاد تحریک یا برانگیختگی جنسی، رطوبت مهبل، ارگاسم، صمیمیت جنسی و درد صفر تا ۵ امتیاز می باشد. کسب نمره بیشتر مبین کارکرد بهتر جنسی واحد پژوهش است. نمره فرد در هر قسمت با جمع نمرات سوالات مربوط به آن بخش و ضرب کردن حاصل جمع نمرات در ضریب هر بخش "ضریب تمایلات جنسی (۰/۶)، برانگیختگی جنسی (۰/۳)، رطوبت مهبل (۰/۳)، ارگاسم (۰/۳)، صمیمیت جنسی (۰/۴)، و درد (۰/۴)" محاسبه گردید. دامنه نمرات بعد تمایلات جنسی بین ۱/۲ تا ۶ امتیاز و سایر ابعاد صفر تا ۶ امتیاز می باشد. دامنه نمره کل اختلال صمیمیت جنسی بین ۱/۲ تا ۳۶ امتیاز می باشد. نمره نهایی به صورت امتیاز کمتر از ۱۲: صمیمیت جنسی نامطلوب، ۱۲ تا ۲۴: صمیمیت جنسی متوسط و ۲۴ تا ۳۶: صمیمیت جنسی مطلوب، طبقه بندی شد. اعتبار و روایی آن در ایران توسط محمدی و حیدری (۱۳۸۷) در دانشگاه شاهد با آلفای کرنباخ ۰/۷۰ که نشانگر پایایی خوب است مورد تایید قرار گرفت. همچنین ضریب پایایی آزمون - باز آزمون کلی برای هر یک از حوزه های شاخص کارکرد جنسی بالا (دامنه ضریب هم بستگی بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۶ بود) و ثبات درونی در محدوده قابل قبولی بود (آلفا از ۰/۷۲ تا ۰/۹۰) تحلیل عاملی تأییدی با روش مولفه های اصلی و چرخش واریماکس حاکی از ساختاری متشکل از ۵ عامل بود و تحلیل عاملی تأییدی نیز ساختار حوزه های مذکور را تأیید نموده و از اعتبار عاملی پرسشنامه مذکور حمایت می کند. به طور کلی نسخه ایرانی شاخص عملکرد جنسی زنان نشان داد که ابزاری روا و پایا با ویژگیهای روان سنجی خوب است و می تواند برای غربالگری مقدماتی سریع و دقیق زنانی با وضعیت سلامت جنسی نامشخص در کلینیک ها یا سایر مراکز پزشکی بکار گرفته شود.

۴) پرسشنامه پایداری زن و شوهر (DAS): این مقیاس یک ابزار ۳۲ سوالی برای ارزیابی کیفیت رابطه ی زناشویی از نظر زن و شوهر یا هر دو نفری است که باهم زندگی می کنند. این ابزار برای چند هدف ساخته شده است. می توان با بدست آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه گیری رضایت کلی در یک رابطه ی صمیمانه استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه را می سنجد. این چهار بعد از این قرار است: رضایت دونفری ۳، هم بستگی دو نفری ۴، توافق دونفری ۵ و ابراز محبت ۶.

نمره گذاری: مقیاس پایداری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه بندی بدست می دهد. نمره ی کل مجموع تمام سوالات بین ۰ تا ۱۵۱ است. نمرات بالاتر نشان دهنده رابطه ی بهتر است. سوالات خرده مقیاس ها از این قرار است: رضایت زناشویی:

^۱ Female sexual function index

Dyadic Adjustment Scale (DAS)

۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۲۳، ۳۱، ۳۲ همبستگی دونفری: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ توافق دونفری: ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ابراز محبت: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰.

اعتبار: نمره ی کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس ها بین خوب تا عالی است: رضایت دونفری = ۰/۹۴، همبستگی دو نفری = ۰/۸۱، توافق دونفری = ۰/۹۰، و ابراز محبت = ۰/۷۳. در پژوهش ملازاده، منصور، اژه ای و کیامنش (۱۳۸۱) همسانی درونی این ابزار ۰/۹۵ بدست آمده است. روایی: این مقیاس ابتدا با روش های منطقی روایی محتوا چک شد. مقیاس پایداری زن و شوهر با قدرت تمیز دادن زوج های متاهل و مطلقه درهر سوال، روایی خود را برای گروه های شناخته شده نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است، و با مقیاس رضایت زناشویی لاک – والاس همبستگی دارد.

یافته ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی، صمیمیت جنسی و پایداری زناشویی زنان متاهل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
سبک دلبستگی ایمن	۴۸/۷۲	۸/۲۸	۲۰۰
سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی	۴۱/۱۹	۷/۰۷	۲۰۰
سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۳۶/۰۲	۵/۹۲	۲۰۰
الگو ارتباطی (سازنده متقابل)	۱۵/۱۲	۷/۳۲	۲۰۰
الگو ارتباطی (توقع/کناره گیری)	۱۷/۸۷	۶/۷۲	۲۰۰
الگو ارتباطی (اجتنابی)	۱۴/۷۲	۵/۰۳	۲۰۰
پایداری زناشویی	۷۸/۰۸	۱۱/۰۵	۲۰۰
صمیمیت جنسی	۶۱/۶۳	۹/۶۷	۲۰۰

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی، صمیمیت جنسی و پایداری زناشویی زنان متاهل را نشان می دهد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی ساده بین سبک های دلبستگی با پایداری زناشویی در زنان متاهل

متغیر ملاک	متغیر	ضریب همبستگی	سطح	تعداد
پایداری زناشویی	سبک دلبستگی ایمن	۰/۴۹	۰/۰۰۰۱	۲۰۰
	سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی	-۰/۱۶	۰/۰۲۲	
	سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۰/۱۸	۰/۰۱۲	

همان طوری که در جدول ۲ ملاحظه می شود بین سبک دلبستگی ایمن با پایداری زناشویی زوجین رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($p=0/0001$ و $r=0/49$). بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با پایداری زناشویی زوجین رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($p=0/022$ و $r=-0/16$). بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با پایداری زناشویی زوجین رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($p=0/012$ و $r=0/18$). به عبارت دیگر، هر اندازه زوجین دارای سبک دلبستگی ایمن باشند از پایداری زناشویی بهتری برخوردار خواهند بود.

جدول ۳: ضرایب همبستگی ساده بین بین الگوهای ارتباطی (سازنده متقابل، توقع/کناره گیری، اجتنابی) با پایداری زناشویی در زنان متاهل

متغیر ملاک	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	تعداد
پایداری زناشویی	الگو ارتباطی (سازنده متقابل)	۰/۴۸	۰/۰۰۰۱	۲۰۰
	الگو ارتباطی (توقع/کناره گیری)	-۰/۲۹	۰/۰۲۱	
	الگو ارتباطی (اجتنابی)	-۰/۰۶	۰/۷۴۱	

همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می شود بین الگوی ارتباطی (سازنده متقابل) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه و مثبت معنی داری وجود دارد ($p=0/0001$ و $r=0/48$). به عبارت دیگر، هر اندازه الگوی ارتباطی (سازنده متقابل) در دانشجویان بیشتر باشد، صمیمیت جنسی آنان نیز بیشتر خواهد بود. بین الگوی ارتباطی (توقع/کناره گیری) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($p=0/021$ و $r=-0/29$). به عبارت دیگر، هر اندازه الگوی ارتباطی (توقع/کناره گیری) در دانشجویان بیشتر باشد، صمیمیت جنسی آنان نیز کمتر خواهد بود و بالعکس. بین الگوی ارتباطی (اجتنابی) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه ای وجود ندارد ($p=0/741$ و $r=-0/06$).

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین پایداری زناشویی با صمیمیت جنسی در دانشجویان متأهل

متغیر ملاک	متغیر	ضریب همبستگی	سطح	تعداد
پایداری زناشویی	رضایت جنسی	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	۲۰۰

همان طوری که در جدول ۴ ارائه شده است بین صمیمیت جنسی با پایداری زناشویی در زنان متأهل مثبت و معنی داری مشاهده می شود ($p=0/0001$ و $r=0/42$). به عبارت دیگر، با افزایش میزان صمیمیت جنسی در دانشجویان متأهل، پایداری زناشویی آنان نیز افزایش یافته است.

جدول ۵: رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش بین سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و صمیمیت جنسی توان پیش بینی پایداری زناشویی زنان متأهل با روش ورود همزمان و مرحله ای

متغیرهای پیش بین	R	R ²	F	p=	β	t	p=	نوع
سبک دلبستگی ایمن	۰/۶۷	۰/۴۴	۳۷/۰۸	۰/۰۰۰۱	۰/۳۴	۸/۵۴	۰/۰۰۰۱	«ورود»
سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی					-۰/۰۶	-۰/۵۹۶	۰/۶۲۱	
سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا					۰/۰۹	۲/۸۳۵	۰/۱۴۱	
رضایت جنسی					۰/۲۹	۷/۹۲۳	۰/۰۰۰۱	
الگو ارتباطی (سازنده متقابل)					۰/۳۲	۹/۲۸	۰/۰۰۰۱	
الگو ارتباطی (توقع/کناره گیری)					-۰/۰۷	-۰/۷۸	۰/۶۳۵	
الگو ارتباطی (اجتنابی)					-۰/۰۶	-۰/۱۳۱	۰/۸۳۱	
۱ - سبک دلبستگی ایمن	۰/۵۳	۰/۲۸	۶۴/۳۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۳	۸/۰۲	۰/۰۰۰۱	«مرحله ای»
۲ - الگو ارتباطی (سازنده متقابل)	۰/۵۹	۰/۳۵	۵۳/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۶/۳۰	۰/۰۰۰۱	
۳ - رضایت جنسی	۰/۶۵	۰/۴۳	۴۹/۶۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳۳	۵/۶۷	۰/۰۰۰۱	
					۰/۳۴	۴/۹۵	۰/۰۰۰۱	
					۰/۳۲	۴/۵۵	۰/۰۰۰۱	
					۰/۳۰	۵/۲۷	۰/۰۰۰۱	

همان طوری که در جدول ۵ مشاهده می شود، رگرسیون پیش بینی پایداری زناشویی در زنان متأهل از روی متغیرهای سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و صمیمیت جنسی معنی دار می باشد ($p < 0/0001$ و $F = 37/08$). متغیر سبک دلبستگی ایمن با ضریب بتای $0/34$ ، متغیر الگو ارتباطی (سازنده متقابل) با ضریب بتای $0/32$ و متغیر صمیمیت جنسی با ضریب بتای $0/29$ می توانند به طور مثبت و معنی داری پایداری زناشویی در زنان متأهل را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار R^2 نشان می دهد 44% از واریانس پایداری زناشویی در زنان متأهل توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با پایداری زناشویی زنان متأهل رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با پایداری زناشویی زنان متأهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با پایداری زناشویی زنان متأهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر اندازه زنان متأهل دارای سبک دلبستگی ایمن باشند از پایداری زناشویی بهتری برخوردار خواهند بود. در تبیین این نتایج می توان گفت که زوج هایی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند قادرند درباره کیفیت و اثرات دلبستگی خود و مثبت و منفی بودن این ارتباط بطور منطقی بحث کنند. آنها اهمیت رابطه دلبستگی را در دوران کودکی تایید می کنند. زوج های ایمن تجسم مثبت و حمایت گر از چهره دلبستگی دارند، این تجسم مثبت، احساس خود ارزشمندی و تسلط را در این افراد افزایش داده و خود را قادر می سازد که عواطف منفی خود را به شیوه ای سازنده تعدیل کند. ویژگی های دیگر افراد ایمن آن است که کمتر از خطرات می ترسند زیرا در موقعیت خطرناک خود را تنها احساس نمی کنند. تمایل به برقراری ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران دارند، از اعتماد به نفس بالاتری نسبت به بزرگسالان نا ایمن برخوردارند، نسبت به دنیا و دیگران نگرش مثبت داشته و به آن اعتماد دارند.

کسانی که دلبستگی مطمئن دارند معمولاً به دنبال روابط قابل اعتمادتر و پایداری هستند. سایر ویژگی های کلیدی دلبستگی مطمئن در بزرگسالان شامل خودباوری زیاد، لذت بردن از روابط صمیمانه، جستجوی حمایت اجتماعی و توانایی در به اشتراک گذاشتن احساسات با دیگران است. پژوهشگران در یک مطالعه دریافته اند که زنانی که دارای سبک دلبستگی مطمئن هستند، احساسات مثبت تری درباره روابط عاطفی و عاشقانه خود دارند. زوج های که سبک دلبستگی اجتنابی دارند از همسران خود دوری می کنند. این اجتناب غالباً پس از یک دوره غیبت ابراز می شود. این زوج ها ممکن است توجه همسران خود را رد نکنند اما نه در جستجوی جلب توجه آنها بر می آیند و نه کسب آرامش و آسایش از ارتباط با آنها می کنند.

کسانی که دلبستگی اجتنابی دارند، در برقراری روابط نزدیک و صمیمانه مشکل دارند. این افراد سرمایه گذاری عاطفی چندانی در برقراری روابط با دیگران نمی کنند و در صورت خاتمه یافتن یک رابطه نیز زیاد ناراحت نمی شوند. آنها معمولاً با بهانه هایی (مثل درگیری های کاری) از برقراری روابط نزدیک اجتناب می کنند. پژوهش ها همچنین نشان داده اند که بزرگسالانی با سبک دلبستگی اجتنابی، بیشتر پذیرای روابط جنسی اتفاقی و تصادفی هستند. دیگر ویژگی های متداول این افراد عبارت است از ناکامی در پشتیبانی از دوستان و نزدیکان در خلال لحظات پر استرس و نیز ناتوانی در به اشتراک گذاشتن احساسات، افکار و هیجانات با دیگران.

زوج های با دلبستگی دوسوگرا به شدت نسبت به بیگانگان مشکوک هستند. این زوج ها به هنگام جدا شدن از همسر خود، ناراحتی زیادی نشان می دهند اما با بازگشت آنها نیز به نظر نمی رسد که آرامش یافته اند. در بعضی موارد، زوج ها ممکن است همسران خود را طرد کند و به سراغ آنها نرود و یا به طور آشکار به آنها پرخاش کند. بر طبق مطالعات و پژوهش های انجام شده، دلبستگی دوسوگرا نسبتاً غیر متداول است و تنها در ۷ تا ۱۵ درصد افراد وجود دارد. کاسیدی و برلین در مورد مطالبی که درباره دلبستگی دوسوگرا نوشته شده است نیز دریافته اند که پژوهش های مشاهده ای همگی دلبستگی دوسوگرا-

نامطمئن را با در دسترس نبودن مادر به قدر کافی مرتبط دانسته‌اند. این کودکان به تدریج که بزرگتر شده‌اند، معلمانشان آن‌ها را وابسته و متکی به دیگران توصیف کرده‌اند. در بزرگسالان، کسانی که دلبستگی دوسوگرا دارند غالباً تمایلی به نزدیک شدن با دیگران ندارند و نگرانند که طرف مقابلشان متقابلاً به احساسات آن‌ها پاسخ ندهد. این امر به قطع متوالی رابطه، غالباً به دلیل احساس سرد شدن رابطه و دوری، می‌انجامد. این افراد پس از خاتمه یافتن یک رابطه، بسیار احساس آشفتگی و پریشانی می‌کنند. کاسیدی و برلین آلگوی آسیب‌شناسانه دیگری را نیز در بزرگسالانی که سبک دلبستگی دوسوگرا دارند توصیف کرده‌اند، بدین ترتیب که این افراد به عنوان منبع امنیت به کودکان کم سن و سال وابستگی پیدا می‌کنند

سبکهای دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) به عنوان مولفه های اساسی می‌توانند نقش مهمی در بسیاری از ابعاد روانشناختی زوجین همچون پایداری زناشویی، تعهد زناشویی و استحکام بنیاد خانواده داشته باشد. در روابط زناشویی غیر قابل دسترس بودن هیجانی همسر، دلبستگی نایمن را ایجاد می‌کند و دلبستگی نایمن منجر به افسردگی و خشم می‌شود. همین طور دلبستگی ایمن پایداری را تسهیل می‌کند و آشفتگی هیجانی را کاهش می‌دهد. در حالی که دلبستگی نایمن هم آشفتگی هیجانی ایجاد می‌کند و هم روی توانایی فرد برای پایداری در رابطه اثر می‌گذارد. به منظور اطمینان از اینکه نیاز به دلبستگی ارضاء می‌شود، بزرگسالان در دسترس بودن همسر و توانایی او برای ارضاء نیازها را بازنگری می‌کنند و شواهد دال بر غیر دسترس بودن همسر، فقدان حمایت، فقدان عشق، صمیمیت یا طرد منجر به آشفتگی و شیوع سوطن می‌شود. به استناد گودوین (۲۰۲۱) روابط دلبستگی همیشه موجودند و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند، به طوری پیوند های دلبستگی در زندگی بزرگسالی ایجاد می‌شوند و بر فعالیت های مهم دوران بزرگسالی موثرند. دلبستگی در جوانی و بزرگسالی را به عنوان روابط دویه دویی تعریف می‌کنند که در آن، همجواری بایک شخص ویژه ترجیح داده شده و به دست یافتن به احساسی ایمنی یا حفظ آن منجر می‌شود. نتایج پژوهش های زیادی استمرار و تداوم سبک دلبستگی را در چرخه زندگی تایید می‌کنند. همچنین با استناد به نتایج تحقیقات ماین و همکاران (۲۰۰۶) نشان داده اند که اگر سطح تنیدگی بالا باشد با اوضاع خانوادگی با تغییرات دردناکی مواجه می‌شود برخی تغییر جتهی از دلبستگی ایمن به دلبستگی نا ایمن نشان می‌دهند و اگر تغییر در موقعیت خانواده همراه با کاهش تنش باشد افراد در طول زمان به سمت دلبستگی ایمن تر گرایش پیدا می‌کنند

نتایج نشان داد بین الگوی ارتباطی (سازنده متقابل) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه و مثبت معنی داری وجود دارد. بین الگوی ارتباطی (توقع/کناره گیری) با صمیمیت جنسی در زنان متاهل رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. بین الگوی ارتباطی (اجتنابی) با پایداری زناشویی در زنان متاهل رابطه ای وجود ندارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که بیشترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و پایداری زناشویی در زنان متاهل دیده می‌شود. به این معنا که در زنان متاهل در صورتی که الگوی ارتباطی از نوع رابطه سازنده متقابل باشد، میزان پایداری زناشویی افزایش می‌یابد. رابطه اجتنابی متقابل تقریباً رابطه معناداری را با پایداری زناشویی نشان نداد. میزان همبستگی به صفر نزدیک بوده و نشان می‌دهد که در زنان الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل با پایداری زناشویی رابطه ای ندارد. همبستگی بین صمیمیت زناشویی و ارتباط توقع/کناره گیری منفی بدست آمده و این نشان دهنده این است که در زنان با افزایش روابط توقع/کناره گیری، میزان پایداری زناشویی کاهش می‌یابد. بنابراین بین الگوهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی همبستگی وجود دارد. بر این مبنا می‌توان نتیجه گیری کرد که از یک سو با بهبود سبک ارتباطی زوجین، پایداری زناشویی آنها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر زوجینی که احساس پایداری و آرامش بیشتری در زندگی خود دارد، احتمالاً از سبکهای ارتباطی سالم تری استفاده می‌کنند. بنابراین رابطه بین دو متغیر، رابطه ای دوجانبه بوده و احتمالاً با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش خواهد یافت. یافته های این پژوهش با یافته های مشابه در این زمینه همخوانی دارد. کرچلر (۲۰۲۱) در پژوهش خود دریافت که زوجین خوشبخت بطور متوسط هر روز حدود هفت ساعت را با هم سپری می‌کنند، در حالی که زوجین ناراضی روزی پنج ساعت با هم هستند (به نقل از فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۹۸). علاوه بر این زوجین خوشبخت زمان بیشتری را نسبت به زوجین ناراضی به صحبت کردن با یکدیگر و بحث درباره موضوعات شخصی سپری کرده و مدت زمان کمتری در تعارض زناشویی به سر می‌برند. مطالعه گاتمن (۲۰۲۰) نیز نشان داد که رفتار غیر کلامی بهتر از رفتار کلامی می‌تواند زوجین درمانده و غیردرمانده را از یکدیگر تفکیک کند. همچنین

زوجین درمانده نسبت به زوجین غیر درمانده تمایل بیشتری برای ابراز متقابل عواطف منفی دارند نولر و فیتزپاتریک (۲۰۰۹) به نقش عامل دقت همسران در به رمز درآوردن و رمزگردانی پیامهایی که بین آنها رد و بدل می شود در تفکیک زوجین خوشبخت و ناراضی از هم پرداخته و به این نتایج دست یافتند: زوجین درمانده در رمزگردانی پیامهای غیرکلامی همسرانشان در مقایسه با رمزگردانی پیامهای غیرکلامی افراد غریبه از دقت کمتری برخوردارند. این کمبود دقت در رمزگردانی پیامهای غیرکلامی بیشتر در شوهران مشاهده می شود تا در زنان. عواطف منفی رو به افزایش در تعامل بین زن و شوهر ممکن است عامل مداخله گر در توانایی شوهر برای رمزگردانی پیامهای همسرش باشد و زن و شوهر در ازدواجهای ناموفق نسبت به این امر که یکدیگر را درک نمی کنند، واقف نیستند. نولر و فیتزپاتریک (۲۰۰۹) معتقدند که رضایت زناشویی برای آن دسته از زوجینی که تاکید بر انکاء و نزدیکی دارند با سطوح بالای در میان گذاشتن اطلاعات همبستگی دارد، در حالی که رضایت زناشویی برای آن دسته از زوجینی که تاکید بر استقلال و دوری دارند به نحو مثبتی با اجتناب از تعارض و کشمکش همبستگی دارد (به نقل از رسولی، ۱۴۰۰).

شواهد زیاد نشان می دهد که رابطه توقع/کناره گیری یعنی الگویی که در آن یکی از همسران از بحث خودداری می کند و دیگری سرزنش یا گله و شکایت می کند، با عدم پایداری زناشویی همخوانی دارد. لیکن ارتباط بین این الگو و رضایت زناشویی در درازمدت چندان مشخص نیست. برخی از پژوهش ها نشان می دهد که این الگو مخصوصا هنگامی که زن متوقع و مرد کناره گیر باشد می تواند پیش بینی کننده کاهش پایداری زناشویی و طلاق باشد. اما پژوهش هایی نیز وجود دارد که نتوانسته است ارتباط بین الگوی زن متوقع و مرد کناره گیر و کاهش میزان رضایت زناشویی را اثبات کند. علاوه بر این برخی از پژوهشها نیز اثبات کرده اند که زمانی که زنان در ارتباطی قرار می گیرند که خودشان کناره گیر و همسرشان متوقع است، میزان رضایت زناشویی آنها افزایش می یابد. شواهد همچنین نشان می دهد که الگوی مرد متوقع/زن کناره گیر با رضایت زناشویی هر دو هم در زمان حال و هم در سالهای آینده ارتباط دارد (کاجلین، ۲۰۰۹).

بنابراین اگرچه پژوهشها بطور مکرر وجود ارتباط بین الگوی توقع/کناره گیری و پایداری زناشویی را به اثبات رسانده اند، اما اکثر پژوهشها بیانگر آن است که نحوه این ارتباط پیچیده بوده و ماهیت آن هنوز بطور کامل شناخته شده نیست. بنابراین از آنجا که این الگو در پیش بینی پیامدهای مهم ازدواج از جمله صمیمیت زناشویی و طلاق مهم و تعیین کننده است، لذا تلاش در جهت فهم بهتر و دقیق تر این رابطه پیچیده اهمیت زیادی دارد و باید در پژوهش های آینده مورد بررسی عمیق قرار گیرد. بطور خلاصه نتایج بدست آمده در این پژوهش، در دو الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی متقابل با مبانی نظری و پژوهشهای انجام گرفته توافق دارد، اما ارتباط بین الگوی توقع/کناره گیری و صمیمیت زناشویی دارای ابهاماتی است.

نتایج نشان داد بین صمیمیت جنسی با پایداری زناشویی زنان متاهل رابطه مثبت و معنی داری مشاهده می شود. به عبارت دیگر، با افزایش میزان صمیمیت جنسی در زنان متاهل، پایداری زناشویی آنان نیز افزایش یافته است. در تبیین این یافته میتوان گفت پایداری زناشویی به شادی و لذت از روابط میان زوج ها مرتبط است و به معنای داشتن احساس مطلوب از ازدواج می باشد که می توان آن را یک موقعیت روان شناختی در نظر گرفت که خود به خود به وجود نمی آید بلکه مستلزم تلاش هر زوج است. در روابط زناشویی عوامل متعددی باعث رضایت همسران از یکدیگر می شود که یکی از آنها الگوهای ارتباطی است. ارتباط زناشویی فرآیندی است که طی آن زوجین به صورت کلامی و غیرکلامی به تبادل احساسات و افکار می پردازند. در صورت توجه به عوامل رضایتمندی زناشویی می توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایتمندی و بهداشت روانی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی کاهش یابد. «با ارتقاء سطح پایداری زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... خواهند پرداخت و خانواده ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد.

بنابراین رضایت افراد از ازدواجشان زمینه ساز و هسته اصلی رضایت از خانواده و زندگی بطور کلی است. در واقع می توان گفت سلامت جامعه و خانواده در گرو رضایت افراد از ازدواجشان می باشد. بیش از یکصد تحقیق منتشر شده وجود دارد که تداوم

رضایت و استحکام روابط زوجین را ارزیابی کرده اند. در سالهای اخیر تمرکز بر روی روابط زوجین و ازدواج به دلیل آمار نگران کننده طلاق افزایش یافته است و هر تحقیقی که در این زمینه صورت بگیرد می تواند یافته های کاربردی و معتبری داشته باشد تا ما بتوانیم آثار مخرب آن را کم کنیم. احساس رضایت از همدیگر یکی از نشانه های زندگی خوب و خوشبختی و شادکامی زوجین می باشد. این احساس رضایت می تواند شامل رضایت زناشویی، رضایت از اخلاق و رفتار، رضایت از شیوه برخورد و نوع زندگی و رضایت ظاهری از طرف مقابل باشد درواقع اگر کسی در زندگی خودش به این تفکر برسد که انتخاب خوبی را داشته است، می توان گفت که وی خوشبخت بوده و زندگی خوبی را دارا می باشد. بسیاری از جوانان احساس رضایت از ظاهر طرف مقابل را فراموش می کنند و سعی می کنند تا فقط از نحوه برخوردی فرد مقابل خود را تحت تاثیر قرار بدهند، اما نباید فراموش کرد در هر سنی از زندگی خود هستیم حتی در میانسالی باید خود را برای هر خود خوب و جذاب جلوه دهیم. بسیاری از خیانت هایی که در سنین بالا انجام می شود به همین دلیل می باشد که فرد مورد نظر از لحاظ ظاهری از همسر خود راضی نبوده و همسر وی در واقع به خود نمی رسد. سلیگمن (۲۰۰۴) معتقد است بر اساس پژوهش های چند سال اخیر، تأیید شده است که شادکامی عامل پدیدآورنده منفای به مراتب بیشتر از صرفاً احساس خوبی داشتن است؛ افراد شادکام، سالم تر و بسیار موفق ترند و درگیری و تعهد اجتماعی بیشتری دارند. اصطلاح شادکامی، گاهی اوقات به معنای عاطفه مثبت منهای عاطفه منفی به کار برده می شود (مالکی، ۱۳۹۶). احساس شادی تنها با عدم حضور هیجانات و حالات منفی به دست نمی آید، بلکه لازمه وجود احساس شادکامی، شرایط و حالات مثبت و رضایتمندی از زندگی با خود و دیگران است (آرجیل، ۲۰۰۱). همچنین تلاش جهت ارتقاء سلامت و از جمله افزایش نشاط و شادکامی به سمت خانواده ها سوق یافته است. روابط زناشویی یکی از عوامل پیشرفت اعضای خانواده در دستیابی به اهداف زندگی است (ساروخانی، ۱۳۹۹). روابط زناشویی به عنوان شاخص اصلی نهاد خانواده، رابطه ای است میان زن و مرد برای زندگی مشترک و تشکیل خانواده. کیفیت روابط زناشویی بر همه ابعاد کارکرد خانواده از جمله پایداری، تداوم، حمایت از فرزندان و شادکامی زوجین تأثیرگذار است (ویلکوکس و نوک، ۲۰۰۱^۳). به ویژه نتایج تحقیقات بیانگر تأثیر روابط زناشویی بر بهزیستی زنان است (ویلکوکس و نوک، ۲۰۰۶). رابطه ی صمیمانه با خود افشایی واقعی و درک نیازهای همسر در رابطه برابر تعریف می شود و ایجاد آن (رابطه صمیمانه) نیاز به گذر زمان دارد متأسفانه افراد امروزی وقت کمتری برای یکدیگر دارند و در نتیجه روابط صمیمانه کمتری نیز با هم دارند (اسپری و کارلسون، ۲۰۰۸). از طرفی دیگر ارتباط عبارت است از انتقال و اشتراک معانی و عقاید، تصاویر و اندیشه ها. هر چه میزان اشتراک معانی بیشتر باشد، ارتباط قوی تر و موثرتر است و مهارت های ارتباطی ضعیف می تواند به گونه ای باشد که به سوء تفاهم ها و احساسات منفی و کاهش کیفیت رابطه و صمیمیت منجر شود (گوردون، ۲۰۰۴). در واقع صمیمیت به توانایی همسران برای انتقال روشن، صحیح و مؤثر افکار، احساسات، نیازها و خواسته هایشان بستگی دارد. بنابراین، یادگیری مهارت های ارتباطی کارآمد، گام مهمی در فرآیند ایجاد و افزایش صمیمیت و پایداری است. به طور کلی، صمیمیت زوج ها سبب افزایش تبادل مثبت، مهارت های ارتباطی، حل مشکل و تعارض و تغییر الگوهای فکری مخرب می گردد

نتایج نشان داد رگرسیون پیش بینی پایداری زناشویی در زنان متاهل از روی متغیرهای سبک های دلبستگی، الگوهای ارتباطی و صمیمیت جنسی معنی دار می باشد. متغیر سبک دلبستگی ایمن با ضریب بتای ۰/۳۴، متغیر الگو ارتباطی (سازنده متقابل) با ضریب بتای ۰/۳۲ و متغیر صمیمیت جنسی با ضریب بتای ۰/۲۹ می توانند به طور مثبت و معنی داری پایداری زناشویی در زنان متاهل را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار R² نشان می دهد ۴۴٪ از واریانس پایداری زناشویی در زنان متاهل توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود. در تبیین این نتیجه می توان گفت که احساس رضایت از همدیگر یکی از نشانه های زندگی خوب و خوشبختی و صمیمیت زوجین می باشد. این احساس رضایت می تواند شامل رضایت زناشویی، رضایت از اخلاق و رفتار، رضایت از شیوه برخورد و نوع زندگی و رضایت ظاهری از طرف مقابل باشد درواقع اگر کسی در

^۱Wilcox & Nock^۳Patten

زندگی خودش به این تفکر برسد که انتخاب خوبی را داشته است، می توان گفت که وی خوشبخت بوده و زندگی خوبی را دارا می باشد. بسیاری از جوانان احساس رضایت از ظاهر طرف مقابل را فراموش می کنند و سعی می کنند تا فقط از نحوه برخوردی فرد مقابل خود را تحت تاثیر قرار بدهند، اما نباید فراموش کرد در هر سنی از زندگی خود هستیم حتی در میانسالی باید خود را برای همسر خود خوب و جذاب جلوه دهیم. بسیاری از خیانت هایی که در سنین بالا انجام می شود به همین دلیل می باشد که فرد مورد نظر از لحاظ ظاهری از همسر خود راضی نبوده و همسر وی در واقع به خود نمی رسد. غالباً تئوری های رضایت زناشویی دربرگیرنده میزان صمیمیت تجربه شده توسط زوج ها هستند. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک گذاری ارزش ها و ایده ها، فعالیت های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی مانند نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می کند قادر است خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به همسر و شریک زندگی خود ابراز کند. رضایت زناشویی می تواند در زوج هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه پایداری زناشویی بالاتری را تجربه کنند.

با این حال خانواده جوهره ای زنده و در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی، تعاملی و طرحدار با یکدیگر یک کل را سازمان دهی می کند و در طول زمان و مکان گسترش می یابد. خانواده را می توان یک واحد عاطفی و شبکه ای از روابط درهم تنیده ای دانست که از پیوند زناشویی زن و مرد بنا نهاده می شود. و رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه را دربر خواهد داشت. می توان رضایت زناشویی را به عنوان یک موقعیت روان شناختی در نظر گرفت که خود به خود به وجود نمی آید بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است، به ویژه در سال های اولیه پایداری زناشویی بسیار بی ثبات است و روابط در معرض بیشترین خطر قرار دارند. در صورت توجه به عوامل پایداری زناشویی می توان انتظار داشت که با افزایش سطح پایداری و بهداشت روانی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی کاهش یابد. با ارتقاء سطح رضایتمندی زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... خواهند پرداخت و خانواده ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد. تحقیقات متعددی نشان داده اند که رضایت از زندگی زناشویی بر سلامت روانی و جسمانی افراد تأثیر مهمی دارد (کالیچ و ماهلر^۱ ۲۰۰۴؛ به نقل از مهدویان، ۱۳۹۶). همچنین نتایج تحقیقات اولسون و همکاران (۲۰۰۶) حاکی از آن است که رضایت افراد از ازدواجشان با رضایت از زندگی خانوادگی ۷۰٪ و با رضایت از زندگی به طور کلی ۶۷٪ همبستگی دارد. رضایت زناشویی تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل متفاوت است که هیچ یک به تنهایی برای ایجاد پایداری کافی نیست (البته این عوامل می تواند در زوج ها و فرهنگ های مختلف، متفاوت باشد) این عوامل متعدد شخصیتی، فرهنگی، اعتقادی، شناختی، ارتباطی، عاطفی، اجتماعی و ... در پایداری و صمیمیت زناشویی مؤثر هستند.

^۱ Kalich.N. &Mahler

منابع

- ابوالقاسمی، عباس، کیامرثی، آذر. (۱۳۹۹). بررسی رابطه آندروژنی و سلامت روانی با پایداری زناشویی در زنان، مطالعات زنان بهار، ۴ (۱)، صص ۵۵-۶۶.
- اکبری، محمد. (۱۳۹۸). بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت زوجین و تاثیر ارتباط درمانی زوجین بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا.
- ادیب راد، نازنین و قادری، زهرا. (۱۴۰۰). مقایسه الگوهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان شاغل در بانکهای دولتی و خانه د/ر شیراز، نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۳، ۱۲۲-۱۰۳.
- ادیب راد، نسترن و مهدوی هرسینی، سید اسماعیل (۱۳۹۹). مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی شهر تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۲، ۱۳۱-۱۳۸.
- احمدی، زهرا. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباط شی کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین، فصلنامه خانواده پژوهی، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۸۵.
- احمدی، خدابخش؛ فتحی آشتیانی، علی؛ نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۶). بررسی عوامل زمینه‌ای - فردی و ارتباطی - دو جانبه‌ای مؤثر بر پایداری زناشویی، خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۳.
- احدی، حسن، محسنی، نیکچهر. (۱۳۹۷). رابطه سبکهای دلبستگی و رضایت زناشویی، روزنامه آفرینش
- اختر محقق، مهدی. (۱۳۹۹). شادکامی شخصیت موفقیت، مجله حدیث زندگی شماره ۴۱، صفحه ۱۴.
- اعتمادی، عذرا. (۱۴۰۰). افزایش صمیمیت زناشویی. فصلنامه تازه های روان درمانی، ۱۳ (۵۰ و ۴۹): ۲۱-۴۲.
- اکبری، محمد. (۱۳۹۸). بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت زوجین و تاثیر ارتباط درمانی زوجین بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا.
- دوستداری تیله نویی، تیمور. (۱۳۹۸). رابطه سبک های دلبستگی با صمیمیت و پایداری زناشویی در زوجین فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، منتشره شده، دانشکده علوم انسانی.
- تیمورپور نگار، مشتاق بیدختی نهاله، پورشهباز عباس. (۱۴۰۱). رابطه سبکهای دلبستگی، رضایت مندی زناشویی و احساس گناه جنسی با میل جنسی در زنان. ۱. ۲ (۳): ۱-۱۴.
- باباپور، جلیل، نظری، محمدعل، رشیدزاده، لیلا. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر رضایت و صمیمیت زناشویی زوجین جانباز شیمیایی، فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، سال ششم، شماره ۲۴.
- قمرانی، علی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه ی عشق و رضایت از زندگی با رضایت زناشویی در دانشجویان زن متاهل دانشگاه خوارزمی، فصلنامه مشاوره و روان درمانی، سال اول، شماره ۴.
- حجت پناه، مینا. (۱۳۹۸). رابطه رضایت جنسی، رضایت زناشویی و رضایت زندگی زوجین، فصلنامه چشم انداز امین در روانشناسی کاربردی سال اول-شماره ۱.
- هنرپروران، نازنین، تبریزی، مصطفی، نوابی نژاد، شکوه، شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش رویکردهیجان مدار بر صمیمیت جنسی زوجین، مجله اندیشه و رفتار، دوره ۴، شماره ۱.
- افشاری نیا، کریم. (۱۳۹۸). مقایسه روش های خودیاری، شناختی - رفتاری و کنش متقابل این دو روش در افزایش رضایت زناشویی زوجین، پایان نامه دکترای تخصصی مشاوره، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
- امان الهی، عباس، اصلانی، خاد، تشکر، هاجر، غوابش، سعاد، نکوئی، سمیه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی، فصلنامه مطالعات روانشناختی اجتماعی زنان، دوره ۱۰، شماره ۳، صفحات ۶۷-۸۵.

- باگروزی، دنیس. (۲۰۰۱)، *افزایش صمیمیت در ازدواج*. ترجمه حمیدآتش پور. (۱۳۹۸). اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی (خوراسگان).
- براهنی، محمدنقی، (۱۳۹۶)، زمینه روان شناسی هیلینگارد، تهران، انتشارات رشد
- بک، آرون تی. (۲۰۰۱). عشق هرگز کافی نیست، ترجمه مهدی قراچه داغی. (۱۳۹۸). انتشارات هماگاه.
- بحیرایی، احمدرضا، فتحی، نادر. (۱۳۹۸). *مهارت های ارتباط زناشویی کارآمد*. نشر: تهران، روانشناسی و هنر.
- تبریزی، سمیرا (۱۴۰۰). مقایسه کمی و کیفی رضایت زناشویی در بین معلمان. پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ثناگوی، محمد. (۱۴۰۰). رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پابندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین، مجله روانشناسی و دین، سال ششم، شماره اول،
- ثنایی، حسن. (۱۳۹۹). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج تهران انتشارات رشد.
- چلبیانلو، غلامرضا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه شادمانی ذهنی و رضایت زناشویی زوجین پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد شیراز.
- حافظی فریبا، جامعی نژاد فرحناز. (۱۳۹۸). رابطه بین عشق، عاطفه مثبت، عاطفه منفی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان شرکت ملی حفاری خوزستان، نشریه روان شناسی اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۰، صفحه ۴۱ - ۵۴.
- دیباچی فروشانی، فاطمه سادات، امامی پور، سوزان، محمودی، غلامرضا. (۱۳۹۸). رابطه ی سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت مندی زناشویی زنان، مجله اندیشه و رفتار. ۳ (۱۱)، ۸۷-۱۰۱
- دوستداری تپله نویی، تیمور. (۱۳۹۸). رابطه سبک های دلبستگی با صمیمیت و پایداری زناشویی در زوجین فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، منتشره شده، دانشکده علوم انسانی.
- جوکار، بهرام. (۱۳۹۷). *بررسی تاثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان شهر شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. ۱۳۹۹.
- جعفرزاده، سید مرتضی، امانی، پریسا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه ی عشق و رضایت زناشویی با هرزه نگاری جنسی در دانشجویان متاهل شهرستان بیرجند، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هفدهم، شماره ۶۸
- خجسته مهر، رضا (۱۳۹۷). *بررسی تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی و افزایش احساس مثبت نسبت به همسر در زوجین شهر /هواز، کارشناسی ارشد، تازه ها و پژوهش های مشاوره، شماره ۲۷.*
- عبدالملکی، سعید. (۱۳۹۷). فصلنامه بهداشت روان، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۹۷، تک شماره
- فرح بخش، کیومرث. (۱۳۹۶). مقایسه میزان اثر بخشی فنون زوج درمانی نظریه الیس، گلاس و ترکیبی از آن دو در کاهش تعارضات زناشویی، پایان نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرقانی، راحله. (۱۳۹۸). اثر بخشی آموزش گروهی شناخت درمانی بر رضایت زناشویی زوجین شهرکرد، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه اصفهان.
- فاتحی زاده، مریم و احمدی، سید احمد. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان، فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۲، ۱۰۹-۱۲۰.
- گلدنبرگ، گلدنبرگ. (۲۰۰۴). خانواده درمانی، ترجمه حمید رضا حسین شاهی براوتی. (۱۳۹۸)، تهران: روان.
- گرین، برگ. (۲۰۰۸). بازسازی روابط زناشویی، ترجمه انتظار، مهرداد. (۱۳۹۷). نشر بدرقه جاویدان، تهران.
- مرادی، فاطمه. (۱۴۰۰). رابطه ویژگی های شخصیتی و نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان زن متأهل رشته های روان شناسی و زبان انگلیسی دانشگاه رودهن، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

محمدی، شهناز. (۱۳۹۹). ارتباط پایداری زناشویی و تنیدگی ناشی از ناباوری در زمان مراجعه کننده به مرکز درمان ناباروری. فصلنامه ی باروری و ناباروری، صص ۳۹-۲۶.

محمدی آریا، علیرضا، قربانزاده، فاطمه، قهاری، شهربانو، باغداساریانس، آنیتا، روستایی، امین. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و اجزا عشق با رضایت زناشویی، پژوهش های روان شناسی اجتماعی، دوره ۳، شماره ۹، صفحات ۹۵-۱۱۰.

منابع لاتین

Eckert, R.M. (2020). Intimacy, libido, depressive symptoms and marital satisfaction in postpartum couples. Doctoral Nursing Practice Dissertation, Drexel university.

Markman, H., Stanley, S., & Blumberg, S. L. (2020). *Fighting for your marriage*. San Francisco, CA: Jossey- Bass, Inc.

Birnbaum, G. E. (2007). Attachment orientations, sexual functioning, and relationship satisfaction in a community sample of women. *Journal of Social Personality Related*, 24(1), ۲۱-۳۵.

Rosen, R. (2020). The Female Sexual Function Index (FSFI): a multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *J Sex Marital Ther*; 26(2):191-208.

Brody, S. (2020). Alexithymia is inversely associated with women's frequency of vaginal intercourse. *Archives of Sexual Behavior*. 32: 73-77.

Davis, D., Shaver, P. R., Widaman, I. K. F., Vernon, M. L., Follette, W. C., & Beitz, K. (2021). "I can't get no satisfaction": Insecure attachment, inhibited sexual communication, and sexual dissatisfaction. *Personal Relationships*. 13:465-483.

Everaerd, W. (2020). Commentary on sex research: Sex as an emotion. *Journal of Psychology & Human Sexuality*. 1(2): 3-15.

Ponholzer A, Roehlich M, Racz U, Temml C, Madersbacher S. (2020). Female sexual dysfunction in a healthy Austrian cohort: prevalence and risk factors. *Eur Urol*; 47(3):366-74.

Hartmann U, Philippsohn S, Heiser K, Ruffer-Hesse C. (2022). Low sexual desire in midlife and older women: personality factors, psychosocial development, present sexuality. *Menopause*; 11(6 Pt 2):726-40.

Hisasue S, Kumamoto Y, Sato Y, Masumori N, Horita H, Kato R. (2020). Prevalence of female sexual dysfunction symptoms and its relationship to quality of life: a Japanese female cohort study. *Urology*; 65(1): 143-8.

McCabe MP. (2022). Intimacy and quality of life among sexually dysfunctional men and women. *J Sex Marital Ther*; 23(4):276-90.

Shramm, W.Z. Roberts, D.F. (2020). *The Process & effects of Mass communication revised edition*, university of Illinois press.

Smith. C., Warnher, F., Fabrizi, A., Lembo, D., Cosmi, V., Pierleoni, L. (2020). *The influence of caregiver burden on sexual intimacy and marital satisfaction in couples with an alzheimer spouse*. Journal of Clinical Practice, 62 (1): 47-52.

Trenholm,S. Yensen,A. (2021).*Interpersonal communication Newyork*:Wads worth publishing company.

Dunham, S. M. (2008). Emotional skillfulness in African American marriage: Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. Doctoral Dissertation, University of Akron.

Mirgain,S.A., Cordova,J.V. (2020).Emotion skills and marital health:The association between observed and self reported emotion skills,intimacy and marital satisfaction.Journal Of Social And Clinical Psychology,26(9):983_1009.

Kristiina M Iler; C. Philip Hwang; Birgitta Wickberg(2021). Romantic attachment, parenthood and marital.Journal of Reproductive and Infant Psychology. 24, 3, 233-240.

Weller,S.T. (2016).*Marital intraction & satissfation:A longitudinal view*.Journal of consulting & clinical Psychology,57(1).47-5

Kardoo, B. R. (2022). The longitudinal course of marital quality stability: a review of theory, method, and research. Psychological Bulletin, 118, 3-34.

Kasten JP, (2021). How does personality matter in marriage: An examination of trait anxiety, interpersonal negativity and marital satisfaction. J Pers Soc Psycholm,17:386-407

Karland, S.M. (2020). The revolution in couple therapy. Journal of Marital and Family Therapy, 29,348-36

Burgess N.T. Wallin,D.F. (2021). Research on the nature and determinants of marital satisfaction:A decade in review.*Journal of Marriage and Family*.۹۸۰ – ۹۶۴ ,۶۲.

Paris. &,D.G and Luckey,P.C. (2021).Encyclopedia of Psychology and Counseling Michigan: Marital compatibility Baker Books, P .۷۱۴